

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اولگا چتوریکووا - (Olga chetverikova)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۳ جون ۲۰۱۵

از بیلدربرگ به گوگلبرگ: نخبگان جهانی در راه ایجاد اردوگاههای الکترونیک

۶۳ -مین اجلاس سالانه باشگاه بیلدربرگ از روز ۱۱ تا ۱۴ ماه جون سال جاری در محلی به نام تلفس در بخش اتریشی آلپ در هتل اینتر آلپ برگزار گردید. ویژگی این تجمع عبارت از آن بود، که بلافاصله پس از دیدار سران کشورهای «گروه هفت» (۷- ۸ جون)، و پنجمین کنگره رهبران ادیان جهانی و سنتی در آستانه (۱۰- ۱۱ جون) برگزار شد. تنها یک مسأله و آن هم مسأله کلیدی مطالعه مکانیزمهای مدیریت جهان، در سطوح مختلف نمایندگی و از زوایای دید متفاوت مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

اگر توجه اجلاس «گروه هفت» روی مسأله مبارزه با تروریسم و «دولت اسلامی»، تنظیم بازارهای مالی، تقویت سازمان تجارت جهانی، ایجاد همکاری ترانس اتلانتیک بین امریکا و اتحادیه اروپا، و همچنین، مبارزه با فرار از مالیات، علیه ویروس ابولا و «زیست محیطی» پاک جهانی متمرکز شده بود، جلسه جهانی آستانه با علامت «اخلاق جهانی» تشکیل گردید. جالب توجه آن است که متن بیانیه پایانی دیدار آستانه را ژان لوئی توران، رئیس شورای پایی مذاکره بین ادیان خواند نه بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد که در این جلسه حضور نداشت و نه لامبرتو زانر، دبیر کل شورای اتحادیه اروپا.

با این حال، راه بحث و مذاکره پیرامون همه این مسائل باز است. در تلفس مکانیزمهای واقعی کنترل در پشت درهای بسته مورد بحث قرار گرفت. امسال هم گروه بیلدربرگ با بستن همه راههای منتهی به اینتر آلپ، کنترل پستهای بازرسی به واسطه نظامیان، نصب جدیدترین تجهیزات برای ممانعت از ارتباطات موبایلی در اطراف اجلاس خلاف تصمیم کمیسیون اروپا به تاریخ ۱۹۹۹/۵/۵، که استفاده از این نوع فناوری را در کشورهای عضو اتحادیه اروپا غیرقانونی اعلام نموده، تدابیر مخصوصاً شدید برای ممانعت از نشأت هر گونه اطلاعات اتخاذ نمود. پولیس اعلام کرد، که هر کسی که در نوار امنیتی دستگیر شود، به پرداخت ۵۰۰ یورو جریمه یا دو هفته زندان محکوم خواهد شد. در نتیجه، هیچ اطلاعاتی در مورد اجلاس بیلدربرگ، به جز لیست شرکت کنندگان و عنوان موضوعات مورد بحث به بیرون درز نکرد، اما همین لیست از مسائل زیادی خبر می دهد. به همین سبب، مسائل واقعاً مورد بحث در چنین جلساتی هیچ گاه شفاف نخواهند بود. با این که خبرنگاران رسانه های جمعی بزرگ در تلفس حضور داشتند، در رابطه با این اجلاس، آنها به جز سکوت، هیچ کار دیگری انجام ندادند. در میان آنها، اندرو کوئن، روزنامه نگار و ناشر

نیشنال پُست کانادائی، **جون میکلتون**، سردبیر روزنامه بلومبرگ نیوز، (این روزنامه، هر روز ۵۰۰۰ مقاله منتشر می کند و دارای ۱۵۰ دفتر نمایندگی در جهان است)، **زانی مینتون بدوس**، سردبیر اکونومیست، عضو شورای اداری بنیاد کارنگی برای صلح جهانی و کار چاق کن سابق بانکسترها (بر وزن کانگسترها م.) در صندوق بین المللی پول حضور داشتند.

مارتین ولف، عضو شورای اداری بنیاد کارنگی برای صلح بین المللی، مفسر ارشد روزنامه فاینشال تایمز، مدافع سرسخت بانکهای مرکزی، **رونا فرهد**، مدیر سابق این روزنامه، رئیس کنونی **بی بی سی تراست** و یکی از مدیران غول بانکی **اچ اس بی سی** نیز در این اجلاس حضور داشتند. جالب است هنگامی که **فرهد** به ریاست بی بی سی تراست گمارده شد، برخی از سهامداران این بانک به اتهام کمک به پولشویی برای تروریستها و مافیای مواد مخدر مکزیکی، تعقیب قضائی او را خواستار شدند.

راز پوشیده ای نیست، که با توجه به موقعیت کاملاً انحصاری رسانه های جمعی امریکا و انگلیس، و همچنین، رابطه بسیار مستحکم رهبران آنها با ساختارهای دولتی، در آنها شدیدترین سانسورها که متضمن تعامل کامل و بی چون چرا بوده و تنها در یک محدوده بسیار تنگ موضع سیاسی و در چهارچوب دقیق وظایف تعیین شده کار می کنند، به کار بسته می شود. بنا بر این، حضور کنشگران نامبرده در اجلاس، فقط به معنای آن است، که ایده ای که در آنجا مورد بحث و بررسی قرار گرفته، به منظور ساختن افکار عمومی مطلوب و هدایت آن در مجاری مقتضی، به تدریج و در زمانهای لازم در مطبوعات آنها عرضه خواهد شد.

با این همه، صرفنظر از بسته بودن گروه بیلدربرگ، لیست شرکت کنندگان و موضوعات تعیین شده، امکان تشخیص روند اصلی مباحث را فراهم می سازد. در میان ۱۵ مورد «برنامه رسمی» - **ستراتژی اروپا، جهانی سازی، یونان، ایران، خاورمیانه، ناتو، روسیه، تروریسم، انگلستان (یا انگل -ستان م.)، امریکا، انتخابات در امریکا، خطرات استفاده از تسلیحات کیمیائی** قید شده بود. با این حال، با قضاوت بر مبنای لیست شرکت کنندگان می توان گفت: توجه اصلی روی موضوعاتی مانند «**هوش مصنوعی**»، «**امنیت سایبری**» و «**مشکلات اقتصادی موجود**» متمرکز شده بود. مثل همیشه، هنری کیسینجر، دبیر کل ناتو، سران بانکها و شرکتهای بزرگ در اجلاس حاضر بودند (۱). گذشته از اینها، حضور سه نماینده کمپانی گوگل، به ترتیب: **اریک شمیدت**، رئیس، **دمیس هاسابیس**، نایب رئیس و **رجینا دوگان**، یکی از اعضای رهبری گوگل در جلسه بیش از همه جلب توجه می کرد. راه نفر سوم چنان درخشان است که یک بار دیگر نشان می دهد که کمپانی گوگل رابطه بسیار تنگاتنگی با مجتمع صنایع نظامی امریکا دارد. از اواسط سال ۲۰۰۹ تا ماه مارچ سال ۲۰۱۲ دوگان، ریاست سازمان پژوهش طرحهای دفاعی پیشرفته پنتاگون را بر عهده داشت. این سازمان مسؤول مطالعه و حمایت از جدیدترین فناوریها برای استفاده در نیروهای مسلح امریکا می باشد. در حال حاضر او ریاست «**طرحهای ویژه**» کمپانی موتورولا موبایلیتی، وابسته به گوگل را بر عهده دارد.

رجینا دوگان به عنوان هوادار پیگیر ایجاد نظام مراقبت عمومی مشهور است. از میان بهترین طرحهای پیشنهادی او می توان از **وصله الکترونیک** به شکل چسب زخم نام برد، که دارای یک مدار چاپ شده با یک آنتن و یک جفت سنسور بوده و به مثابه بخشی از مکانیزم شناسائی بیومتریک عمل می کند. چنین **وصله** ساخت کمپانی **ام سی ۱۰**، شریک کمپانی موتورولا موبایلیتی را **رجینا دوگان** روی بازوی خود دارد. روش شناسائی بیومتریک هویت، میکرو چیپ موجود در «**قرص**» الکترونیک است که در صورت نفوذ به بدن، به اندازه ۱۸ بایت سیگنال رادیویی مشابه دستگاه الکترونیک موج نگار مغز پخش می کند. این میکرو چیپ هنگام تماس به تلفون یا کامپیوتر، به عنوان کلید کار می کند. اداره نظارت بهداشتی بر کیفیت محصولات غذایی و دارویی امریکا به این قرصها گواهی تأیید داده و کمپانی

پروتوس کالیفورنیا آنها را تولید می کند. پژوهشگران تأیید می کنند، که هر انسانی می تواند روزانه ۳۰ عدد از این قرصها را بدون درد تا آخر عمر بخورد.

این قرصها یکی از اساسی ترین نتایج تحقیقات سازمان پژوهش طرحهای دفاعی پیشرفته پنتاگون است، که نه تنها به ایجاد فناوری میکروسیستم و ستراتیژیک (فناوریهای ارتباطی، ابزار حراست از شبکه های اطلاع رسانی، جنگهای رادیوالکترونیک، استحکام دستگاه در مقابل حملات سایبری)، حتی بیولوژیک: تحقیقات در عرصه بیولوژی مهندسی، از جمله مهندسی ژنتیک و جنبه های کاربردی علوم اعصاب نیز مشغول است.

این آژانس که به همراه **ناسا** (سازمان فضائی امریکا م.) به اجرای پروژه پیش بینی خلسه انسان، کار دانشگاه فنی واقع در وادی سیلیکون در مرکز تحقیقات ناسا مشغول است، به نوبه خود با شرکت گوگل رابطه فشرده ای دارد. هدف از این تحقیقات در وهله نخست، ایجاد فناوری مدیریت شعور انسانی و ساختن «شعور مصنوعی» می باشد. لازم به یادآوریست، که اریک شمیدت، رئیس گوگل با بیان این که زندگی خصوص به تاریخ پیوست و او فرا رویاندن گوگل به «برادر بزرگ» واقعی را برنامه ریزی می کند، هیچ وقت تلاشهای خود برای کنترل عمومی را پنهان نمی کند. بدین ترتیب، حضور هیأت نمایندگی این شرکت در تلفس و مذاکره پیرامون «شعور مصنوعی» و همچنین، «امنیت سایبری» گواه آن هم هست که نخبگان جهانی به طور جدی به دنبال اجرای برنامه نوسازی کلی جامعه و انسان بر مبنای ایدئولوژی ترا بشریت، در کوتاه ترین مدت ممکن، با محدودیتهای شدید و دست آخر، لغو حق زندگی خصوصی هستند. با این حساب، بیلدبرگها زندگی خصوصی را طور دیگری توضیح می دهند. تا جایی که مارتین ولف زمانی که جنبه مخفی دیدار آنها را به وی گوشزد کردند، اظهار داشت که این تظاهر «زندگی خصوصی» است و این تصور که چنین دیدارهایی می تواند به صورت خصوصی برگزار شود، به معنای نمونه اساسی «ایده تمامیت خواه» است.

اجلاس سال ۲۰۱۳ نشان داد، که این «باشگاه» به دوره تحولات جدی وارد شده است. بیلدبرگ بعد از وحدت با شرکت گوگل، عملاً به گولبرگ تغییر یافت و توجه خود را روی جنگهای روانی و کنترل فرد متمرکز نمود.

گوگل نه تنها نخستین رهگذر در عرصه نفوذ به اعماق شعور انسانی به حساب می آید، بلکه، این کمپانی احداث شهرهای خصوصی خود را برنامه ریزی می کند. **لاری پیج**، مدیر دیگر این شرکت که ایجاد آزمایشی مناطق مستقل از دولتهای ملی و اداره آنها توسط موازین مسکن اجتماعی را در نظر دارد، این موضوع را علناً تأیید نمود. وعده کرده اند این طرحها را به ابزار جدید تغییر جهان -مدیریت مشارکتی مبتنی بر موازین تمامیت خواه و نظارت بر عموم تبدیل نمایند. در وهله اول، سخن از کشورهای توسعه یافته، یا به تعبیر سران گوگل، کشورهای می رود که در آنها دولتهای «درنده»، مانع کسب و کار شهروندان خود می شوند و آنها را به دامن فقر پرتاب می کنند. گوگل ضمن اعلام وعده تأمین حق مالکیت فقراء و حاکمیت قانون، از اینگونه دولتها می خواهد به طور داوطلبانه از قدرت کناره گیری نمایند. به هر حال، در هندوراس قانون ایجاد مناطق مستقل، که به امتناع از حق شهروندی و تجاری متمرکز و وارد کردن نظام حقوقی منتخب خود مجازند، تصویب شده است. السالوادور و کوستاریکا نیز قصد ایجاد چنین مناطقی را دارند.

گذشته از این همه، پول الکترونیک به مثابه ابزار اصلی نظارت الکترونیکیبر عموم شمرده می شود. طی سالهای اخیر، محافل بانکی پیرامون ایده کاهش شدید و حتی لغو کامل پول نقد بحث و مذاکره می کنند. در سال ۲۰۱۴ **کنت روگوف** استاد دانشگاه هاروارد، به منظور متوقف ساختن «فرار از مالیات و فعالیت های غیر قانونی»، و همچنین، برای ایجاد مانع در مقابل افرادی که در هنگام سقوط نرخ بهره بانکی تا نزدیک صفر، پول خودشان را از بانکها بیرون می کشند و حسابشان را می بندند، انحلال ارز فیزیکی را خواستار شد. همانطور که **جیمس لیوس**، اقتصاددان اسبق بانک انگلیس می گوید، «فقط از طریق وادار کردن عموم به استفاده صرف از پول الکترونیک، که در حساب افراد در بانکهای دارای مجوز دولتی... زیر نظر و حتی تحت نظارت مستقیم دولت موجود است، می توان جامعه غیرنقدی را

متحقق ساخت». در همین اواخر، ویلم بویتر، اقتصاددان ارشد سیتی گروپ، «به منظور حل مشکلات بانکهای مرکزی جهانی مرتبط با نرخ بهره منفی»، لغو کامل پول نقد را پیش کشید.

به طوریکه کارشناسان تأیید می کنند، با عطف توجه به ترکیب شرکت کنندگان و این که «مشکلات اقتصادی موجود» یکی از موضوعات اجلاس اخیر بیلدبرگ بود، گمان می رود همین مسأله پول نقد در مرکز توجه قرار گرفته باشد. طبیعی است هیچ کس در این باره نمی نویسد که در آنجا چه تصمیماتی اتخاذ شده است. از آنجائی که چنین مسائل مورد بحث محرمانه قرار می گیرد، هارترین آرمسترانگ، تنها کسی بود که در باره جلسه محرمانه نمایندگان بانک مرکزی اروپا، بانک فدرال رزرو، بانکهای مرکزی سوئیس و دنمارک در آخر ماه مه سال جاری در لندن نوشت. او توانست معین کند که همین کنت روگوف و ویلم بویتر «با هدف ممانعت از خرید و فروش هر چیز بدون اجازه دولت»، برای دفاع از نظریه لغو همه انواع پول نقد در برابر بانکهای مرکزی آماده می شوند.

هنوز که سیاستمداران و شبه نظامیان نخبه جهانی با برافروختن آتش جنگهای داخلی کشورهای مختلف و تمام یک منطقه را به راحتی در منجلا ب هرج و مرج گرفتار می سازند، هنوز که بشریت را برای پیکار با ویروسها و بیماریهای واگیر بسیج می کنند، خدمات اختراعی همان نخبگان، دستگاه واحد «دولتهای الکترونیک» مبتنی بر پایگاه الکترونیک اطلاعات عمومی در باره شهروندان سراسر جهان را گام به گام برقرار می کند. هر شهروندی باید شناسه هویت فردی ثابت -شماره شخصی طبق معیارهای بین المللی داشته باشد. اجرای شناسه هویت واحد منحصر به فرد امکان ایجاد پایگاه واحد توزیع داده ها را فراهم می سازد، که در شرایط واقعی امروزی، اطلاعات مربوط به عرصه های مختلف زندگی انسان، حتی محرمانه ترین بخش آن را جمع آوری، نگهداری و به طور خودکار تجزیه و تحلیل خواهد کرد. زندگی انسان باید به طور شفاف در برابر دیدگان ساختارهای اداری قرار گیرد (۲).

شماره شخصی بایستی در کارت الکترونیک فراگیر، محتوای همه اطلاعات مربوط به فرد به شکل الکترونیک، که در حکم مجموعه اسناد، شامل پاسپورت، گواهی نامه رانندگی، مدارک بازنشستگی، بیمه پزشکی، وسیله پرداخت، مدرک سفر و غیره خواهد بود، گنجانده شود. کارت الکترونیکی کلید همه اطلاعات خواهد بود و با تحمیل میکروچیپ به انسان، او زیر نظارت مستقیم مدیران جهانی قرار می گیرد.

بدین ترتیب، بانکها، سازمانهای امنیتی، پنتاگون، گوگل در ارتباط تنگاتنگ با همدیگر کار می کنند. آنها اردوگاههای الکترونیکی می سازند که در آنها جایی برای دولت، برای استقلال ملی، برای آزادی شخصی وجود ندارد. با هر آنچه که آنها با آن سر و کار دارند، تنها وسیله آنهاست برای رسیدن به هدف اصلی -قدرت مطلق.

ضمایم از بیلدبرگ به گوگلبرگ...

طی ماه میلادی جاری سران غرب دو اجلاس برگزار کردند: جلسه کشورهای موسوم به «جی ۷» و تجمع سالانه اعضای باشگاه بیلدبرگ. هر دوی این تجمعات با شرکت یک اقلیت به غایت ناچیز در جامعه جهانی برگزار گردید و در خفا و دور از چشمان همه، جهان آینده را مورد بحث و مذاکره قرار دادند؛ برای هر تک تک انسانها تصمیماتی گرفتند؛ برای همه کشورهای، برای میهن من و شما سرنوشت تعیین نمودند؛ برای من و شما، برای همه بشریت جهان تکلیف تعیین کردند؛ زندگی، فکر، شعور من و شما را اگر تاکنون مدیریت نکرده باشند، مصمم اند مدیریت کنند... با این حال، اما فریاد اعتراض کمتر کسی بلند شد. چرا؟

به همین سبب، سؤالی که همواره ذهن مرا مشغول داشته، بار دیگر در مقابل همه احزاب، سازمانها، شخصیتها و هر کسی که خود را مترقی، انقلابی، صلحدوست، آزادیخواه، عدالت طلب تعریف می کند، طرح می کنم. بدین نحو:

آیا کمیته صهیون، کمیته سیصد، دولت مخفی جهانی، باشگاه بیلدربرگ و عوامل اجرائی آنها - رژیمهای امپریالیستی - فاشیستی غرب به سرمداری رژیم تروریستی امریکا، ارتش تروریستی ناتو و قریب نهصد پایگاه نظامی امریکا در اکثریت کشورهای جهان (به طور متوسط، بیش از چهار پایگاه نظامی در هر کشور)، افسانه و ساخته و پرداخته ذهن «شبه انقلابیون» است یا واقعیت؟

البته، این پرسش دو پاسخ بیشتر ندارد: یا افسانه هستند یا واقعیت.

اگر افسانه هستند که هیچ حساب ما با منکران واقعیات روشن است.

اگر واقعیات آشکاری هستند، خوب، باید در مورد نقش و عملکرد آنها، تأثیر تصمیمات و اقدامات آنها در حوادث به شدت ناگوار جهانی، در همه نگویند بختی های بشریت جهان و همچنین، علت سکوت تقریباً عمومی در مقابل این عوامل فرومایه شر جهانی و تیره بختی ساکنان گیتی، این عاملان و مجریان همه جنگها و خونریزیها، تجاوزات و غارتگریها، توضیح داده شود.

گمان می رود بدون تمرکز توجه روی این منشاء و مبداء همه شرارتها و مفسد در مقیاس جهانی، بدون تعریف روشن از ماهیت آنها، هر گونه صحبت از مبارزه علیه امپریالیسم و برای استقلال ملی، ترقیخواهی و عدالت طلبی، از آزادیخواهی و انساندوستی، از سیاست و اقتصاد پویا، از فرهنگ خلاق و عالی در جامعه آزاد و مستقل چیزی جز باد هوا نیست.

از علاقه مندان به سرنوشت خود، میهن و همه بشریت انتظار می رود بدون تئوری بافی، صریح و سر راست پاسخی درخور به پرسش فوق را بدهند.

۱- پیوند لیست شرکت کنندگان در اجلاس گروه بیلدربرگ :

<http://www.nouvelordremondial.cc/2015/06/08/liste-officielle-des-participants-a-la-conference-de-2015-du-groupe-bilderberg/>

۲- پیوند دو ویدئو در باره گروه بیلدربرگ

https://www.youtube.com/watch?v=KYWx_cFzqro

<https://www.youtube.com/watch?v=0dO7NKa6a6s>

<http://www.fondsk.ru/news/2015/06/16/ot-bilderberga-k-gulagbergu-globalnaja-elita-stroit-elektronnyj-konclager-33849.html>

۱ تیر سرطان ۱۳۹۴